

تاریخ دریافت: 1392/9/6

تاریخ پذیرش: 1393/8/26

نقش ابعاد مختلف انگیزشی مدیریت زمان بر خلاقیت دانشجویان دانشگاه تبریز

رحیم بدری گرگری¹فریبا حسنی²

چکیده

زمینه: خلاقیت از دیدگاه نظری تولید ایده‌ها، محصولات، فرایندهایی جدید و مفید به وسیله افراد یا گروه‌ها تعریف شده است. خلاقیت تابعی از زمان در دسترس فرد است و به صورت منفی با فشار زمانی تجربه شده فرد رابطه دارد.

هدف: پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه بین ابعاد مختلف انگیزشی مدیریت زمان (تمایل به بی‌سازمانی، کنترل ادراک شده زمان و سرسختی روان‌شناختی) با خلاقیت دانشجویان انجام شد. روش: با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای 240 نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز انتخاب شدند. آزمون تفکر خلاق تورنس، مقیاس ابعاد نگرش و انگیزش مدیریت زمان به منظور جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. تحلیل آماری داده‌ها به کمک نرم‌افزار ای‌موس³ و با روش تحلیل مسیر انجام شد.

یافته‌ها: خلاقیت دانشجویان به وسیله کنترل ادراک شده زمان ($\beta = 0/22$) و تمایل به بی‌نظمی یا بی‌سازمانی ($\beta = -0/18$) پیش‌بینی شد. همچنین یافته‌ها نشان داد بعد سرسختی به صورت مستقیم با خلاقیت دانشجویان رابطه ندارد اما مسیر غیرمستقیم آن از طریق کنترل ادراک شده زمان ($\beta = 0/09$) معنادار است.

1. دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) badri_rahim@yahoo.com

2. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی hoseini.fariba63@yahoo.com

3. AMOS

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد، کنترل تصویری زمان و رفتار مدیریت زمان برای تولید مؤثر ایده‌های خلاق ضروری است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت زمان، خلاقیت، کنترل ادراک زمان، سرسختی، تمایل به بی‌سازمانی، تحلیل مسیر.

مقدمه

در دنیای دانش‌محور امروزی همه تلاش‌ها بر این است شهروندانی با ظرفیت خلاقیت و نوآوری پرورش یابند. در حال حاضر، پرورش دانشجویانی که فقط دانش داشته باشند دیگر کافی نیست بلکه باید دانشجویانی تربیت شوند که دست‌کاری کننده علم و تولیدکننده دانش جدید باشند. برای پاسخ به این مطالبات، تمام نهادها و مؤسسه‌های آموزشی دنیا تلاش دارند خلاقیت را در برنامه‌های آموزشی خود تلفیق کنند. این چالش‌ها باعث می‌شوند دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی فرصت‌های آموزشی فراهم نمایند که دانشجویان ظرفیت تولید خلاقانه دانش را در خود رشد دهند (Garcia – Cepero, 2008). بر این اساس کشورهای مختلف دنیا با تأکید بر رشد خلاقیت در مؤسسه‌های آموزش عالی اصلاحات آموزشی انجام داده‌اند (Cheng, 2010). پس می‌توان گفت خلاقیت کلیدی برای شکوفایی اجتماعی، سازمانی و شخصی است. خلاقیت در واقع شروع نقطه نوآوری و کارآفرینی است و موجب تولید ایده‌های مفید و جدید می‌شود (Zampetakis & Moustakis, 2006).

دیدگاه‌های نظری مختلفی درباره مفهوم خلاقیت وجود دارد؛ این مفهوم به روش‌های مختلف و از دیدگاه‌های متفاوت تعریف شده است. خلاقیت، ظرفیت دیدن روابط جدید و پدید آوردن اندیشه‌های غیرمعمول و فاصله گرفتن از الگوهای سنتی تفکر است. تفکر خلاق ترکیبی از قدرت ابتکار و انعطاف‌پذیری است که یادگیرنده را قادر می‌سازد خارج از تفکر معقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد (رشیدی و شهرآرا، 1387). از دیدگاه تورنس (به نقل از O'Neil, Abedi, & Spielberg, 1994) فرآیندی است شامل حساسیت به مسائل،

کمیابها و بن‌بست‌ها که پس از تشخیص مشکل به وجود می‌آید؛ به دنبال آن جستجو برای یافتن راه‌حل و طرح فرضیه‌های مربوط به آن آغاز می‌شود. سپس فرضیه‌ها و راه‌حل‌ها آزمایش می‌شوند و تغییرات لازم در آن‌ها به وجود می‌آید. از دیدگاه وی خلاقیت دارای چهار بعد یا ویژگی به شرح زیر است:

- 1- سیالی یا روانی: توانایی برقراری رابطه معنادار بین فکر و اندیشه و بیان است که بر اساس تعداد افکار یا راه‌حل‌ها در یک زمان مشخص اندازه‌گیری می‌شود.
- 2- اصالت یا ابتکار: توانایی تفکر به شیوه غیرمتداول و خلاف عادت رایج که همراه با جواب‌های غیرمعمول، عجیب و زیرکانه است.
- 3- انعطاف‌پذیری: توانایی تفکر به راه‌های مختلف برای حل یک مسئله جدید است.
- 4- بسط: توانایی توجه به جزئیات حین انجام یک فعالیت است.

گاردنر¹ (1993) نیز افراد خلاق را کسانی می‌داند که در حل مسائل چیره‌دست هستند، تولید هنری دارند یا سؤال‌های تازه مطرح می‌کنند و اندیشه‌های آنان تازه و غیرمعمول تلقی می‌شود، اما سرانجام در فرهنگ‌های خود پذیرفته می‌شوند. علاوه بر این، خلاقیت به‌مثابه تولید ایده‌ها، محصولات و روش‌های تازه و به‌صورت بالقوه مفید و عملی تعریف می‌شود (Amabile, 1996; Zhou, & George, 2001).

در دنیای امروز علاوه بر خلاقیت و نوآوری، سرعت تحولات نیز بسیار بالا و رقابت رو به گسترش است. امروزه رقابت در صحنه بین‌المللی همه را مجبور کرده به عامل زمان توجه کنند. می‌دانیم که مدیریت بر مبنای هزینه جای خود را به مدیریت بر مبنای زمان داده است. بدین روی، اقدام بر اساس روش‌های درست، به‌موقع و روش‌های خلاق می‌تواند مفید باشد (قائد محمدی، 1389).

در طول اعصار گذشته مفهوم زمان به صورت‌های متفاوتی بحث شده است. افلاطون معتقد بود که زمان همان اصل نظم و ترتیب در دنیای طبیعی است. درحالی که افلاطون زمان را

1. Gardner

ساده‌ترین شاخص حرکت می‌دانست (Sherover, 1975). شپمن، مارتین، مککی و آناستازی¹ (1987) آن را محصولی بدون سوگیری دانسته‌اند که برای همه افراد به صورت برابر وجود دارد، برای آن پولی هزینه نمی‌کنند و کاملاً در دسترس آن‌هاست اما تفاوت اصلی در این است که آن را چگونه استفاده می‌کنند. عارفان نیز به واسطه ماهیت ابزار شناختی خود، یعنی دل، از زبان نمادین استفاده می‌کنند و زمان را دارای جنبه درونی می‌دانند و از آن با اصطلاحاتی مانند وقت، آن و دم یاد می‌کنند. آنان وقت خوش عارفانه راه مانا نوعی بی‌وقتی و رها شدن عارف از سیطره زمان و مکان می‌دانند (Roberta, 1990). در فرهنگ و ادب ایران نیز به اهمیت زمان و نحوه استفاده درست از آن اشاره شده است. خیام زمان را به پرنده‌ای که بر سر شاخه‌ای نشسته است تشبیه می‌کند (کرمی مقدم، 1377). پس روشن می‌شود زمان کالایی است که باید تنظیم و مدیریت شود. معمولاً مدیریت مؤثر زمان یک شاخص کلیدی برتری است.

در حوزه روان‌شناسی دیدگاه‌های مختلفی در مورد زمان و مدیریت آن وجود دارد. بعضی مدیریت زمان را شامل برخی از الگوهای عمومی رفتار دانسته‌اند و آن را شامل ابعاد چهارگانه زیر می‌دانند. 1- تدوین اهداف، اولویت‌ها، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی 2- تهیه لیست از کارها، 3- کنترل بر زمان و 4- برقراری نظم و سازمان‌دهی (Briddell, 1986).

کنترل ادراک شده زمان به میزان باور فرد اشاره دارد که می‌تواند بر زمان خود تأثیر داشته باشد (Claessens, Eerde1, Rutte, & Roe, 2004). مفهوم تمایل به سازمان و نظم را تمایل به کار کردن به یک شیوه منظم دانسته‌اند (Macan, 1994) و منظور از سرسختی تمایل به تقبل پروژه‌های مختلف دارای پاداش‌های بلندمدت در مقابل تمایل به پروژه‌های با برگشت سریع پیامد است (Usunier and Valette-Florence, 2007).

در دیدگاه‌های مختلف نظری به رابطه بین زمان و مدیریت آن با خلاقیت اشاره شده است. تقریباً شصت سال پیش گیلفورد (Zampetakis & etal, 2010) خاطر نشان کرد که خلاقیت

1. Shipman, Martin, McKay, & Anastasi

شامل فعالیت‌هایی مانند کشف، طراحی، تدبیر، ترکیب و برنامه‌ریزی است. افرادی که این نوع رفتارها را از خود نشان می‌دهند در واقع افرادی خلاق هستند. زمان برای دوره نهفتگی خلاقیت عامل مهمی است، به افراد باید زمان کافی داده شود تا انتظار کار خلاقانه‌ای داشته باشیم (Runco, 2007). بر اساس دیدگاه مدنیك (به نقل از Zampetakis & et al, 2010) ایده‌های اصیل ایده‌های دور هستند و موقعی شکل می‌گیرند که از چهارچوب اصلی مسئله و ایده اولیه دور شویم. دور شدن از طرح‌واره اصلی نیاز به زمان دارد.

پژوهش‌های تجربی مختلف رابطه بین مدیریت زمان و برخی کارکردهای شناختی مانند حل مسئله، خلاقیت و یادگیری را مورد مطالعه قرار داده‌اند. جهان سیر و همکاران (1386) در پژوهش خود نشان دادند بین مؤلفه‌های برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و نگرش به زمان با پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. مطالعه صمدی (1383) در دانش‌آموزان کلاس چهارم دبستان نشان داد که راهبردهای خودتنظیمی مانند مدیریت زمان در حل مسائل ریاضی معمولی نقش قابل توجهی ندارند. درحالی که این راهبردها نقشی مهم و قابل توجه در حل مسائل غیرمعمولی ایفا می‌کنند.

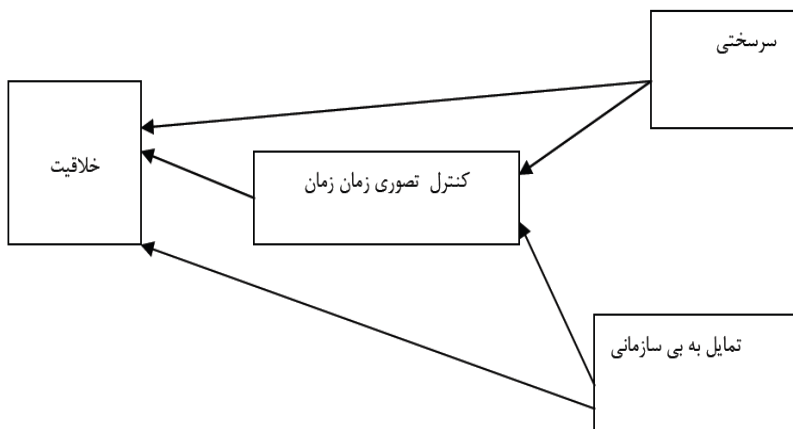
ماکان¹ (1994) در مطالعه‌ای بر روی 353 نفر از دانشجویان دارای شغل پاره‌وقت نشان داد، احساس کنترل بر روی زمان بین بُعد رفتاری مدیریت زمان و اولویت‌گذاری برای هدف‌ها از یک طرف و رضایت شغلی و تنش شغلی از طرف دیگر، حالت میانجی دارد. در پژوهشی دیگر جکس و الاکوا² (1999) بر روی 525 نفر از کارکنان سازمان‌های مختلف نشان دادند، کنترل ادراک‌شده زمان بین انتخاب و اولویت‌گذاری هدف و فشار روانی حالت تعدیل‌کننده دارد. آدامز و جکس³ (1999) نیز نشان دادند انتخاب هدف و اولویت‌گذاری آن‌ها همبستگی مثبت با کنترل ادراک‌شده زمان دارد و مکانیک زمان رابطه منفی با کنترل ادراک‌شده زمان دارد.

-
1. Macan
 2. Jex and Elacqua
 3. Adams, & Jex

تصور می‌شود اثرات ابعاد مدیریت زمان روی پیامدهای مختلف از طریق کنترل ادراک شده زمان میانجی می‌شود. ماکان (1994) الگویی پیشنهاد کرد که اگر رفتارهای مربوط به مدیریت زمان موجب شود فرد احساس کند روی زمان خود کنترل دارد، در این صورت پیامدهای رفتاری مثبت نشان داده خواهد شد. دیویس¹ (2000) الگوی ماکان را تکرار کرد و به این نتیجه رسید که احساس کنترل زمان تنها به منزله واسطه بین ترجیح سازمان و نظم و پیامدهایی مانند تنش مرتبط با شغل، تنش بدنی و رضایت شغلی عمل می‌کند. کلاسن و همکاران² (2004) در پژوهشی با عنوان رفتار برنامه‌ریزی و کنترل ادراک شده زمان نشان داد، احساس کنترل زمان به صورت نسبی نه به طور کامل واسطه بین رفتار برنامه‌ریزی و پیامدهای شغلی است.

با توجه دیدگاه نظری گیلفورد (Zampetakis & et al, 2010)، رونکو³ (2007) و مدنیک (Zampetakis & et al, 2010) مبنی بر نقش زمان بر خلاقیت و تأکید یافته‌های تحقیقات تجربی مختلف (Jex & Elacqua, 1999; Adams & Jex, 1999; Davis, 2000; Claessens et al, 2004) بر رابطه مدیریت زمان با خلاقیت و با عنایت به الگوی نظری ماکان (1994) مبنی بر نقش اصلی بُعد احساس کنترل ادراکی زمان در بین ابعاد مختلف انگیزش مدیریت زمان، این پژوهش با هدف تعیین نقش ابعاد مختلف انگیزشی مدیریت زمان بر خلاقیت دانشجویان، به آزمون الگوی شکل زیر بر خلاقیت دانشجویان پرداخت.

1. Davis
2. Claessens, et al
3. Runco



شکل 1. رابطه احساس کنترل ادراک شده زمان، سرسختی روان‌شناختی و تمایل به بی‌سازمانی با خلاقیت

دانشجویان

روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه تبریز بودند که در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ در دانشکده‌های مختلف به تحصیل اشتغال داشتند. نمونه آماری ۲۴۰ نفر از این دانشجویان بودند که برای انتخاب آن‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. برای این منظور از بین دانشکده‌های مختلف چهار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، مکانیک، شیمی و کشاورزی به صورت تصادفی انتخاب و از بین کلاس‌های این دانشکده پنج کلاس و از هر کلاس حداکثر دوازده نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش: الف- آزمون تفکر خلاق تورنس^۱ (تصویری): این آزمون، آزمون تفکر خلاق با تصاویر نام گرفته است. برگه‌های تصویری آزمون‌های تفکر خلاق تورنس نیازمند پاسخ‌هایی است که عمدتاً از نوع ترسیمی یا تصویری است. این آزمون شامل سه فعالیت است.

1. Torrance tests of creative thinking

در فعالیت نخست، دانشجویان با استفاده از تکه کاغذی رنگی به شکل بیضی چسب‌دار از طریق چسباندن به محل دلخواه در صفحه، تصاویر ذهنی موردنظر خود را ترسیم می‌کنند. برای این کار آن‌ها با اضافه کردن خطوطی با مداد و مداد رنگی تصویر موردنظر را کشیده و سپس عنوانی را به تصویر خود انتخاب می‌کنند. در فعالیت دوم، دانشجویان با اضافه کردن خطوطی به تصاویر ناقص که شامل دو صفحه است، می‌توانند اشیاء و تصاویر جالبی طراحی کنند و یا چیزهای دیگری به طرح اولیه اضافه نمایند و برای هر یک از طرح‌ها عنوانی انتخاب نمایند؛ بالأخره در فعالیت سوم دانشجویان با استفاده از خطوطی که به صورت موازی در دو صفحه آورده شده است می‌توانند به تعداد زیاد شیء یا تصویر نقاشی کنند. این سه فعالیت چهار بعد خلاقیت را ارزیابی می‌کند. بُعد سیالی بر اساس تعداد تصاویر معناداری که به دست آورده است، بُعد انعطاف‌پذیری بر اساس مقوله‌ها و طبقه‌ها، بُعد بسط بر اساس جزئیاتی که دانشجویان برای تصاویر رسم نموده است و بُعد اصالت نیز بر اساس فراوانی پاسخ‌ها اندازه‌گیری می‌شود (Torrance, 1974). ضریب پایایی آزمون خلاقیت تورنس ۰/۶۳ گزارش شده است (امامی پور، ۱۳۸۰). رشیدی و شهرآرا (۱۳۸۷) در پژوهش خود پایایی آزمون را با روش باز آزمایی ۰/۷۲ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر نیز پایایی آزمون با روش باز آزمایی برابر با ۰/۶۴ محاسبه شد.

ب- مقیاس جنبه‌های انگیزشی مدیریت زمان و نگرش نسبت به آن^۱: این مقیاس برگرفته از پرسش‌نامه مدیریت زمان زامپتاکیس و همکاران (2010) است. در این پژوهش سه خرده مقیاس کنترل ادراکی زمان^۲، سرسختی^۳ و ترجیح بی‌سازمانی^۴ استفاده شده است. دانشجویان نگرش خود نسبت به داشتن کنترل بر زمان را در مقیاس درجه‌بندی پنج‌گانه (اصلاً موافق نیستم تا کاملاً موافقم) گزارش نمودند. این خرده مقیاس شامل چهار ماده بود. خرده مقیاس

1. Time management attitude and motivational aspects Scale
2. Perceived control of time
3. Tenacity
4. Preference for disorganization

سرسختی توانایی تحمل دانشجویان برای تداوم پروژه‌های خودشان در طول زمان و مقاومت آن‌ها تا رسیدن به سرانجام و پایان کار را در بر می‌گرفت. این مقیاس از سه ماده در طیف هفت‌درجه‌ای اصلاً موافق نیستم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) تشکیل می‌شد؛ و بالأخره خرده مقیاس ترجیح بی‌سازمانی گرایش به بی‌نظمی دانشجویان به هنگام فعالیت‌های تحصیلی و ذهنی است که از طریق چهار ماده اندازه‌گیری شد. این سؤالات در طیف هفت‌درجه‌ای اصلاً موافق نیستم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) بودند. زامپتاکیس و همکاران (2010) پایایی خرده مقیاس‌های کنترل ادراکی زمان، سرسختی و ترجیح بی‌سازمانی با روش آلفای کرونباخ به ترتیب (۰/۷۱)، (۰/۷۶)، (۰/۷۸) گزارش نمودند. در این پژوهش پایایی ابزار برای خرده مقیاس کنترل ادراکی زمان (۰/۷۲)، سرسختی (۰/۸۰) و ترجیح بی‌سازمانی (۰/۶۸) به دست آمد.



روش تحلیل داده‌ها: برای بررسی روابط علی میان متغیرهای کنترل تصوری زمان، سرسختی روان‌شناختی و تمایل به بی‌سازمانی و خلاقیت از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. تحلیل مسیر که اولین بار سوول رایت (به نقل از هومن، ۱۳۸۰) آن را توسعه داده در حقیقت کاربرد رگرسیون چند متغیری با تدوین بارز مدل‌های علی است و هدف آن به دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی بین مجموعه‌ای از متغیرهاست. به‌طورکلی مبنای تجزیه و تحلیل مدل‌های علی، ماتریس همبستگی است.

یافته‌های پژوهش

در جدول 1 میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش آورده شده است. همان‌طور که یافته‌های جدول نشان می‌دهد، بین برخی متغیرهای مستقل پژوهش با خلاقیت دانشجویان رابطه معناداری برقرار است. به این صورت که بین کنترل تصوری زمان و سرسختی و خلاقیت رابطه مثبت معنادار و تمایل و ترجیح بی‌نظمی و پاسخ‌های خلاق رابطه منفی معنادار وجود دارد.

جدول 1. ماتریس همبستگی بین متغیرهای خلاقیت و مدیریت زمان و میانگین و انحراف معیار آن‌ها

متغیرها	M	SD	1	2	3
1 خلاقیت	763/42	273/03	-		
2 کنترل ادراک شده زمان	9/94	2/47	**0/235	-	
3 سرسختی	15/23	3/47	**0/190	* /415)	-
4 تمایل به بی‌سازمانی	10/93	4/47	** -0/198	* -0/10)	0/01)

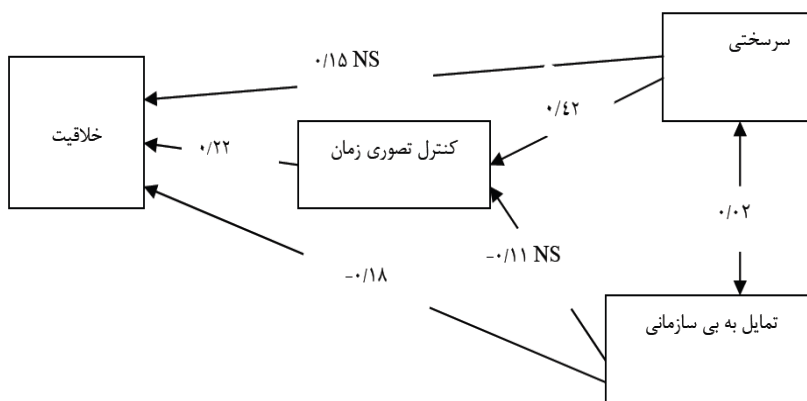
**p < 0/01 * p < 0/05

بررسی برازش مدل با بهره‌گیری از مشخصه‌های مختلف انجام گرفته است. به‌طور کلی این تحقیق از میان مشخصه‌های برازش متنوعی که وجود دارد، از شاخص مجذور کای دو^۱، شاخص برازندگی مقایسه‌ای^۲، شاخص تاکر لوئیس^۳ و شاخص‌های برازش پیش‌بین^۴ و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب^۵ استفاده شد. همان‌طور که جدول دو نشان می‌دهد شاخص مجذور کای دو در سطح 0/01 معنادار نیست. ریشه خطای میانگین مجذورهای تقریب برابر با 0/05 به دست آمد. این شاخص برای مدل‌های خوب کمتر از 0/05 و معمولاً در مدل‌های ضعیف اندازه آن بزرگ‌تر از 0/10 است (هومن، 1380). شاخص برازندگی تطبیقی (0/90)، شاخص تاکر لوئیس (0/90) نیز محاسبه شد. این شاخص‌ها برای مدل‌های خوب بین 0/90 الی 0/95 تفسیر می‌شود. با توجه به شاخص‌های مذکور مدل با داده‌ها برازش مناسبی دارد.

جدول 2. شاخص‌های آماری برازندگی انطباق

مجدور میانگین	مربعیات خطای تقریب	شاخص برازش پیش‌بین	شاخص تاکر لوئیس	شاخص برازندگی	معناداری	خی دو
	0/05	90/27	0/93	0/92	0/035	6/93

1. χ^2
2. Comparative Fit Index (CFI)
3. TLI
4. AIC
5. RMSEA



شکل 2. مسیر و برآورد پارامترهای الگوی اولیه پیش‌بینی خلاقیت دانشجویان دانشگاه تبریز

جدول سه و شکل دو ضرایب مسیر برای روابط پیشنهادشده میان متغیرهای الگو را نشان می‌دهند. با توجه به مسیرهای پیش‌بینی‌شده، فرضیه‌های تحقیق به‌طور نسبی مورد تأیید قرار گرفته است. خلاقیت دانشجویان به‌وسیله کنترل ادراک‌شده زمان ($\beta=0/22$) و تمایل به بی‌نظمی یا بی‌سازمانی ($\beta=-0/18$) پیش‌بینی شد. همچنین یافته‌ها نشان داد بُعد سرسختی به‌صورت مستقیم با خلاقیت دانشجویان رابطه ندارد اما مسیر غیرمستقیم آن از طریق کنترل ادراک‌شده زمان ($\beta=0/09$) معنادار است. همچنین ضرایب مسیر نشان می‌دهد که کنترل ادراک‌شده زمان به‌طور معنادار و مثبت به‌وسیله سرسختی دانشجویان ($\beta=0/42$) پیش‌بینی شد.

جدول 3. مسیرهای آزمون شده در الگوی تحلیل مسیر

مسیرها	تأثیرهای مستقیم	تأثیرهای غیرمستقیم	تأثیرهای کل
به خلاقیت دانشجویان			
کنترل ادراک شده زمان	0/218	-	0/218
رفتار برنامه‌ریزی	-0/178		-0/178
سرسختی روان‌شناختی	-	0/09	0/09
کنترل ادراک شده زمان			
سرسختی روان‌شناختی	0/415	-	0/415

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش رابطه کنترل ادراک شده زمان، تمایل به بی‌سازمانی و سرسختی روان‌شناختی با خلاقیت دانشجویان و اثر میانجی احساس کنترل زمان بر رابطه بین تمایل به بی‌سازمانی و سرسختی روان‌شناختی با خلاقیت بررسی شد. فرضیه وجود رابطه بین ابعاد مختلف انگیزش مدیریت زمان مانند کنترل ادراک شده زمان، تمایل به بی‌سازمانی و سرسختی روان‌شناختی و خلاقیت دانشجویان با تحلیل مسیر تأیید شد. یافته‌ها نشان داد تمایل به بی‌نظمی به صورت منفی و مستقیم بر خلاقیت اثرگذار بوده است. از طرف دیگر کنترل ادراکی زمان نیز به صورت مستقیم و مثبت بر خلاقیت اثرگذار است اما بُعد دیگر ابعاد مدیریت زمان یعنی سرسختی به صورت مستقیم بر خلاقیت اثر ندارد اما از طریق مسیر غیرمستقیم یعنی کنترل شده زمان بر خلاقیت اثر مثبت دارد. این یافته‌ها بیانگر آن است که کنترل ادراک شده زمان و رفتارهای برنامه‌ریزی شده و منظم موجب پیامدهای مثبت مانند خلاقیت در فرایندهای شناختی ذهن می‌شود؛ زیرا چنین تمایلات انگیزشی افراد را قادر می‌سازد تا فعالیت‌ها و برنامه‌هایشان را مطابق با منابع و فرصت‌های موجود سازمان‌دهی کنند و از این طریق احتمال تولید ایده‌های تازه و بدیع را افزایش دهند. پس می‌توان گفت کنترل ادراکی زمان و تمایل به بی‌سازمانی دو

عامل مهم پیش‌بینی‌کننده خلاقیت دانشجویان است. با این یافته‌ها روشن می‌شود دانشجویانی که باور دارند می‌توانند بر زمان خود تأثیر داشته باشند، دارای توانایی حذف عوامل اتلاف وقت در محیط دانشجویی هستند. همچنین دانشجویانی که تمایل کمتری به بی‌سازمانی دارند یعنی به برقراری نظم، مرتب و منظم نمودن امور و قرار دادن هر چیز در جای خود تمایل دارند، خلاقیت بالاتری نیز دارند.

یافته‌های این پژوهش نیز با یافته‌های ماکان (1994) همسوست. همان‌طور که ماکان (1994) در مدل خود نشان داد، احساس کنترل تصویری زمان به صورت نسبی و نه به صورت کامل میانجی و واسطه‌ای رابطه ابعاد مدیریت زمان و رضایت شغلی است. یافته‌های پژوهشگران دیگر که حالت توسعه یافته مدل ماکان بودند، مانند جکس و الاکوا¹ (1999) که نقش واسطه‌ای احساس کنترل بر روی زمان استرس و فشار روانی را بررسی کردند و یا مطالعه دیویس (2000) که تکرار مدل ماکان بود و بیانگر نقش واسطه‌ای احساس کنترل زمان با شغل، تنش بدنی و رضایت شغلی بود، در تأیید یافته‌های پژوهش حاضر است.

کلاسن و همکاران (2004) در پژوهشی با عنوان رفتار برنامه‌ریزی و احساس کنترل زمان نیز نشان داد احساس کنترل زمان به صورت نسبی نه به طور کامل واسطه بین رفتار برنامه‌ریزی و پیامدهای شغلی است. پژوهش زامپتاکیس و همکاران (2010) نیز نشان داد که دانشجویان خلاق برنامه‌ریزی روزانه دارند و اطمینان بیشتری به انجام برنامه‌ریزی بلندمدت دارند. احساس کنترل آن‌ها بر زمان بیشتر است و از طرف دیگر دانشجویانی که گرایش به بی‌نظمی در آن‌ها بالاتر است، خلاقیت کمتری دارند. کومار² (به نقل از شهرآرا، 1374) نیز بر اساس مقایسه الگوی علایق دانش‌آموزان خلاق و غیر خلاق گزارش داده است که دانش‌آموزان خلاق بیش از دانش‌آموزان غیر خلاق دارای منبع کنترل درونی هستند. مطالعه آماییل و همکاران (2002) نشان داد احساس فشار زمانی با فرایند خلاقیت همان روز و روز بعد، همبستگی منفی دارد و

1. Jex, J. M., & Elacqua
2. Kumar

احساس کنترل بر زمان با خلاقیت رابطه مثبت دارد. نتایج پژوهش هافمن، اسکروا¹ (2009) نیز نشان داد احساس خودکارآمدی در حل مسئله، کارایی حل مسئله را از طریق عملکرد راهبردی افزایش می‌دهد.

در تبیین یافته‌های حاضر بر اساس نظریه خودتنظیمی باندورا (1997) می‌توان گفت افراد خودتنظیم می‌توانند جنبه‌های شناخت، انگیزش و رفتار خود را برای نائل آمدن به هدف تنظیم کنند؛ لذا دانشجویانی که از مهارت خودتنظیمی در زمینه منابع از جمله زمان برخوردارند، در واقع به حالت خودنظم‌دهی رسیده‌اند. به عبارت دیگر، بدون اینکه سازوکارهای خارجی رفتار و توانایی‌های شناختی، عاطفی آن‌ها را تحت کنترل درآورد، خود آن‌ها بر منابع شناختی خویش کنترل دارند. به این طریق ظرفیت دیدن روابط جدید و پدید آوردن اندیشه‌های غیرمعمول و فاصله گرفتن از الگوهای سنتی تفکر در آن‌ها به وجود می‌آید.

در تبیین این یافته‌ها بر اساس نظریه خودتنظیمی شانگ و زیمرمن (2006) می‌توان گفت یادگیرندگان موفق، به خودتنظیمی قوی نیاز دارند تا کارشان را سازمان دهند، اهداف را انتخاب کنند و هنگامی که به کمک نیاز دارند آن را جستجو کنند. بر اساس دیدگاه آن‌ها، خودتنظیمی فرایند فراشناختی است که یادگیرندگان فرایندهای تفکر خود را کشف می‌کنند، نتایج آن را ارزیابی می‌کنند و برای موفقیت راه‌های مختلف را طرح‌ریزی می‌کنند؛ بنابراین، احساس خودکارآمدی در تنظیم یادگیری خود²، پیش‌بینی کننده مهم استفاده از راهبردها و مهارت‌های شناختی، انگیزشی، عاطفی و رفتاری است. بر این اساس می‌توان گفت دانشجویانی که باور دارند می‌توانند بر زمان خود کنترل داشته باشند و عوامل اتلاف وقت در محیط دانشجویی را حذف کنند و همچنین آن‌هایی که تمایل کمتری به بی‌سازمانی دارند (تمایل به برقراری نظم، مرتب و منظم نمودن امور و قرار دادن هر چیز در جای خود) می‌توانند



1. Hoffman, & Schraw

2. self-efficacy for self-regulated learning

فرایندهای تفکر خود را کشف کنند، نتایج آن را ارزیابی نمایند و ایده‌های مختلف و راه‌حل‌های بدیع را به وجود بیاورند و در نتیجه خلاقیت بالاتری داشته باشند.

از طرف دیگر، یافته‌های این پژوهش فرضیه اثربخشی انگیزش بر روی حل مسئله را تأیید نمود. این فرضیه معتقد است که باورهای انگیزشی مانند احساس خودکارآمدی با کارایی بالا در حل مسئله مرتبط است (Hoffman & Spatariu, 2008).

نتایج پژوهش نشان داد، نگرش نسبت به زمان به‌طور معناداری با خلاقیت رابطه دارد. این یافته‌ها به‌طور ضمنی اشاره به این دارد که داشتن احساس کنترل بر زمان و گرایش به نظم و ترتیب در فعالیت‌ها برای تولید ایده‌های جدید و بدیع ضروری است؛ لذا، این یافته‌ها تلویحات کاربردی زیادی می‌تواند داشته باشد. از جمله اینکه هرچند خلاقیت فردی، امری اختیاری، مستقل و خودمختار است (Dewett, 2007) اما اگر فرد احساس کند که هیچ‌کس کنترل بر زمان خود ندارد و زمان بر آن‌ها تحمیل شود و مجبورند برخی تکالیف را برحسب ضرورت انجام دهند، در این صورت «خودمختاری» بی‌معنی خواهد بود.

این پژوهش بر روی دانشجویان دانشگاه انجام شده است و قابلیت تعمیم به تولید ایده‌های خلاق در سازمان‌ها و مؤسسه‌های صنعتی و تولیدی را ندارد که این خود از محدودیت‌های پژوهش به شمار می‌رود؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود اجرای تحقیقات بعدی در زمینهٔ رابطه کنترل ادراک‌شده زمان و سایر ابعاد مدیریت زمان با خلاقیت در مؤسسه‌ها و سازمان‌ها باشد.

منابع

امامی پور، سوزان (1380). بررسی تحولی سبک‌های تفکر در دانش آموزان و دانشجویان و رابطه آن با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. رساله دکتری رشته روان‌شناسی چاپ‌نشده. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

جهان سیر، خسرو؛ صالح زاده، کریم؛ وثاقي، حبيبه و موسوی فر، اقبال (1386). تأثیر مدیریت زمان در پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مراغه. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، 16، 97-114.

حافظی، سهیلا؛ نقیعی، هدایت؛ نادری، عزت‌الله، نجفی مهری، سهیل و محمودی، حسین (1387). بررسی میزان و ارتباط مهارت فردی با رفتار سازمانی مدیریت زمان در مدیران آموزشی. مجله علوم رفتاری، 2، صص 183-192.

رشیدی، اسماعیل؛ شهرآرای، مهرناز (1387). بررسی خلاقیت با منبع کنترل، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، 3، صص 83-99.

روبرتا، روش (1990). مدیریت زمان، ترجمه مزده شیرازی منش. تهران: خدمات فرهنگی رسا. ساکتی، پرویز؛ طاهری، علی (1389). ارتباط مدیریت زمان با موفقیت تحصیلی دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشگاه شیراز. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، 10، 293-300.

شهرآرا، مهرناز (1374). الگوی تعاملی رفتار خلاق. پژوهش‌های تربیتی، 3 و 4، 89 تا 107. صمدی، معصومه (1383). بررسی نقش راهبردهای خودتنظیمی در حل مسائل ریاضی دانش آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، 7، 79-97.

کرمی مقدم، فریده (1377). بررسی رابطه مهارت فردی مدیریت زمان با مهارت‌ها سازمانی آن در بین مدیران دبیرستان‌های دولتی شیراز. شیراز: شورای تحقیقات آموزش فارسی. قائدمحمدی، محمدجواد (1389). مدیریت زمان و مؤلفه‌های آن در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سوم، ششم، 73-57.

هاشمی زاده، هایده (1385). بررسی رابطه رفتارهای مدیریت زمان و استرس شغلی در سرپرستاران بخش‌های داخلی و جراحی بیمارستان‌های آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، فصلنامه اصول بهداشت روانی، 29-30، صص 56-51.

هومن، حیدر علی (1380). تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری. تهران: نشر پارسا.

- Adams, G. A., & Jex, S. M. (1999). Relationships between time management, control, work-family conflict, and strain. *Journal of Occupational Health Psychology*, 1, 72-77.
- Amabile, T. M. (1996). *Creativity in context. Update to social psychology of creativity*. Boulder, CO: West view Press.
- Amabile, T. M., Mueller, J. S., Simpson, W. B., Hadley, C. N., Kramer, S. J., & Fleming, L. (2002). Time pressure and creativity in organizations: A longitudinal field study. Working Paper No. 02-073. Boston: Harvard Business School.
- Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action: A social cognitive theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York, NY: W. H. Freeman.
- Bridgell B. (1986). The effect of a time management training program upon occupational stress levels and the type of behavioral pattern in college administration: PhD Dissertation abstract, University of Florida.
- Britton, B. K., & Tesser, A. (1991). Effects of time management practices on college grades. *Journal of Educational Psychology*, 83, 405-410.
- Cheng, V. (2010). Tensions and dilemmas of teachers in creativity reform in a Chinese context. *Thinking Skills and Creativity*, 5, 120-137.
- Claessens, B. J. C., van Eerde, W., Rutte, C. G., & Roe, R. A. (2004). Planning behavior and perceived control of time at work. *Journal of Organizational Behavior*, 25, 937-950.
- Davis, M. A. (2000). Time and the nursing home assistant: Relations among time management, perceived control over time, and work-related outcomes. Paper presented at the Academy of Management, Toronto, Canada.
- Dewett, T. (2007). Linking intrinsic motivation, risk taking, and employee creativity in an R&D environment. *R & D Management*, 37, 197-208.
- Garcia - Cepero, M. (2008). The enrichment trait model: Nurturing creativity - productivity among college students. *Innovations in Education and Teaching International*, 145, 3, 295-302.
- Gardner, H. (1993). *Creating minds: An anatomy of creativity seen through the lives of Freud Picasso, Stravinsky Eliot, Graham and Grandhi*. New York: Basic.
- Hoffman, B., & Schraw, G A. (2009). The influence of self-efficacy and working memory capacity on problem-solving efficiency. *Learning and Individual Differences*, 19, 91-100.
- Hoffman, B., & Spataru, A. (2008). The influence of self-efficacy and metacognitive prompting on math problem-solving efficiency. *Contemporary Educational Psychology*, 33, 875-893.
- Jex, J. M., & Elacqua, T. C. (1999). Time management as a moderator of relations between stressors and employee strain. *Work and Stress*, 13, 182-191.
- Locke, E. A., & Latham, G. P. (1990). *A theory of goal setting and task performance*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hal.

- Macan, T. H. (1994). Time management: Test of a process model. *Journal of Applied Psychology*, 79, 3, 381–391.
- O’Neil, H., Abedi, J., & Spielberger, C. (1994). *The measurement and teaching of creativity*. In H. O’Neil & M. Drillings (Eds.). *Motivation: Theory and research*, (pp. 245-263). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Pintrich, P. R. & De-Groot, E. V. (1990). Motivational and self-regulated learning component of classroom academic performance. *Journal of Educational Psychology*, 82, 1, 33-40.
- Pintrich, P. R. (1986). Motivational and Learning Strategies Interactions with achievement. *Developmental Review*, 6, 25-56.
- Pintrich, P. R. (2000). *The role of goal orientation in self-regulated learning*. In M. Boekaerts, P. R. Pintrich, & M. Zeidner (Eds.), *Handbook of self-regulation* (pp. 451–501). San Diego, CA: Academic Press.
- Runco, M. A. (2007). *Creativity. Theories and themes: Research, development, and practice*. Amsterdam: Elsevier Academic Press.
- Sherover, Charles M. (1975). *The human experience of time: The development of its philosophic meaning*, New York University Press (New York).
- Shipman, N.J.; Martin, JB.; McKay, B.; Anastasi R. (1987). *Effective time-management techniques for school administrators*. Abe book.
- Schunk, D. H., & Zimmerman, B. J. (2006). *Competence and control beliefs: Distinguishing the means and ends*. In P. A. Alexander & P. Winne (Eds.), *Handbook of educational psychology* (pp. 349–367)., 2nd ed. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Torrance, E. P. (1974). *Torrance tests of creative thinking*. Copyright by Ginna and Company (Xerox Corporation). Published by personnel press.
- Usunier, J. C., & Valette-Florence, P. (2007). *The Time Styles Scale. A review of developments and replications over 15 years*. *Time & Society*, 16(2/3), 333–366.
- Wallas, G. (1926). *The art of thought*. New York: Harcourt, Brace.
- Zampetakis, L.A Bouranta, N., Moustakisa, V. S. (2010). On the relationship between individual creativity and time management. *Thinking Skills and Creativity*, 5, PP 23–32.
- Zampetakis, L. A., & Moustakis, V. (2006). Linking creativity with entrepreneurial intention: A structural approach. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 2, 413–428.
- Zhou, J., & George, J. M. (2001). When job dissatisfaction leads to creativity: Couraging the expression of voice. *Academy of Management Journal*, 44, 582–696.
- Zimmerman, B. J., & Schunk, D. H. (2004). *Self-regulating intellectual processes and outcomes: A social cognitive perspective*. In D. Y. Dai, & R. J. Sternberg (Eds.), *Motivation, emotion, and cognition: Integrative perspectives on intellectual functioning and development* (pp. 143–174). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.